

تاریخ نشان نداده است که ملتی بدون تحمل شدائد در تأمین آزادی و استقلال خود توفیق حاصل کند
دکتر محمد مصدق

ایران دانشجو

نشریه کمیته دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ملی بهار ۳۱ شماره ۹

در صورت متحد
(جبهه ملی ایران)
دانشکده شریک

۳۰ تیرماه ۱۳۴۰

مردم ایران خود را برای شرکت در مراسم سی ام تیر روز بزرگ نهضت ملی ایران آماده میکنند

وزن اشخاص در جامعه بقدر شادانی است که در راه مردم تحمل میکنند
از نطق دکتر مصدق در مجلس شورای ملی
۲۳ فروردین ۱۳۳۱

عظمت و بزرگی در آن نیست که هرگز شکست نخوریم بلکه در آنست که هر بار شکست خوردیم دوباره بپاخیزیم
اندره زید



دختران دبیر دانشگاه همیشه برادران خود را در مبارزات اخیر یاری میکردند



نمونه‌ای از تظاهر پرشکوه دانشجویان در روز چهارشنبه ۱۴ تیرماه برای همدردی با دانشجویان ایرانی متحضر در سازمان ملل متحد

هیاهوی بسیار

برای هیچ

حوادث گاه چنان نقشی را در حیات اجتماعی یک ملت بعهده دارند که باید عمیق تر بررسی شوند. گاه حقیقت را در کفون می‌کنند و گاه خود سازنده حقیقت است. نه چندان که مستقر باشد بلکه گذرنده است. حقیقت همیشه در راه است.

از روزیکه دکتر امینی به قدرت رسید همه جا از یک تحول اجتماعی صحبت میکنند و حتی بعضی نام حوادث اخیر را «انقلاب سفید» میدانند و بنظر میرسد که اسرار دارند چند صحنه‌ای را که از یادداشت چند امیر موقتی ارتش بوجود آورده اند بنام آغاز یک انقلاب اجتماعی و مبارزه واقعی علیه فساد و تباهی و تحول در رشته اجتماعی و اقتصادی ایران بجهانیان معرفی نمایند.

دستگاههای تبلیغاتی و گروه روزنامه‌های اجیرناچند هفته پیش بهشتی همراه با آسودگی ساکنان آن ساخته بودند که به بهشت عدن دباغ ارم پهلومیزد. پیشرفت در حه شئون اجتماعی حاصل شده بود. هر روز کارخانه جدیدی افتتاح یاسدی مستحکم روی رودخانه‌ای عمیق و پر آب استوار میشد. خدمتگذاران صدیق به فرم و اصلاح همه دستگاههای دولتی مشغول بودند.

وزرا و مسئولین امور نقشه‌ای جز ترقی ملک و ملت در سر نداشتند و لامحاله در اجرای این نقشه آسودگی خیال هم.

اما بفاصله چند روز که اگر بچند ساعت تقلیلش دهیم مهتر بقیه در صفحه ۲

«...جبهه ملی برای وفاداری به تعهداتی که در برابر مردم ایران دارد به منظور ایفای سوگندی که نمایندگان ما بکتاب مقدس آسمانی یاد کرده‌اند و از نظر حفظ حق که با افراد یک ملت تعلق می‌گیرد بجهانیان اعلام میدارد که بپیچوجو زیر بار تحمل حکومتی که با تشبیه با جانب با تحمیل و اسباب چینی بیگانگان و برغم تمایلات عمومی روی کار آمده است موافقت نخواهد کرد و افتخار خواهد داشت که هر راه خرابست شعاعی را در راه راستی جهان افراد خود را فدا کند.»

از اعلامیه جبهه ملی که بوسیله دکتر محمد مصدق به پیشگاه ملت تقدیم شده است
مجلس شانزدهم - ۱۱ تیرماه ۳۹

از اعلامیه جبهه ملی که بوسیله دکتر محمد مصدق به پیشگاه ملت تقدیم شده است
مجلس شانزدهم - ۱۱ تیرماه ۳۹



از آقای ادیب برومند عضو شورای مرکزی جبهه ملی

«مقام دانشجو»

با افتخار قرین باد نام دانشجو که هست پاس فضیلت، مرام دانشجو
بهر کجا سزد افتخار آزادی مسجل است بفرخنده نام دانشجو
قیام دانش و تقوی برغم جهل فساد همواره هست نهان در قیام دانشجو

بقیه در صفحه ۴

اخیر

• دانشگاه تهران در این دو هفته دوباره شاهد دو تظاهر با شکوه بود؛ با تظاهر اول خاطره روز ۲۹ خرداد، روز خلق پد را زنده کرد. و در تظاهر دوم که به خاطر همدردی با دانشجویان ایرانی متحضر در سازمان ملل متحد تشکیل شده بود شدیداً به عمل غیر قانونی دولت اعتراض شد.

نمایندگان دانشجویان نیز در ملاقات خود با دکتر امینی که دو ساعت طول کشید ضمن انتقاد شدید از عمل دولت در مورد سلب همه آزادیهای قانونی و دستگیری مداوم دانشجویان از طرف قوای انتظامی و ضمن پشتیبانی شدید از مبارزه دانشجویان ایران در سراسر دنیا اعتراض دانشجویان را نیز نسبت به لغو ورقه اقامت دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا بیان کردند.

• هنگامیکه دانشگاه تهران روز ۱۴ تیرماه با تظاهر خود به عدل دولت اعتراض می‌کورد و استان ارزنده مادر دانشگاه کشتاورزی کرج نیز که همیشه با اتحاد و یکپارچگی خود اتحاد دانشجویان ایران را مستحکم تر کرده‌اند، تظاهرات پرشکوهی ترتیب دادند و ضمن آن قطعنامه دانشگاه تهران را تأیید کرده و با دوستان دانشجوی خود در سراسر جهان ابراز همدردی کردند.

• بدنبال شدت تندیقات ضد آزادی که چند روز است از طرف بقیه در صفحه ۳

« اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایران بر اساس حفظ مصالح کشور، بانوجه باصول و هدف‌های منشور ملل متحد و درستی با همه ملل جهان و پشتیبانی از ملت‌های آسیای و آفریقای و مبارزه با هر گونه سیاست استعماری و حمایت از ملل که برای آزادی و استقلال خود میکوشند.
اصل سوم اساسنامه جبهه ملی ایران

بخش آموزشی

پیرامون بی طرفی

تعیین ملت ایران با اتخاذ سیاست بیطرفی هر روز با مشکلات فزاینده و نیروی بیشتری تجار منامند و در حقیقت این تعادل مبین علاقه ملت ماست که میخواهد مستقل باشد بدون داشتن «آر باب» آزادانه راه متعصب و منحصر بخود را انتخاب کند. ولی ظاهر آ «اولیاء امور» کوششان باین حرفها بدهکار نیست. شاید هم حق با آنها باشد، زیرا بنظر ما بین سیاست داخلی و خارجی یک حکومت رابطه مستقیم است و هر دو ناش از ماهیت آنست. بنابراین حکومتی که سیاست داخلی بی طرفی و بیطرفی بر محور حقوق و منافع اساس مردم باشد در سیاست خارجی هم آن میشود که دستگاه حکومتی ایران دارد و نیز حکومتی که منتخب ملت و مورد قبول و تأیید مردم نباشد البته جهت سیاست عمومی یک چنین دستگاهی را باید خداوند کاران خارجی تعیین نمایند و تکیه گاه چنین حکومتی هم باید در ماوراء مرزها باشد.

در هفته‌های اخیر که مسأله بیطرفی در روزنامه‌ها و مجلات و محافل مختلف مطرح بود آقای امینی چندین بار درباره مسئله بیطرفی اظهار نظر فرمودند و بطور نشان دادند که مثل سایر «مفسرین» دولتی اصولاً بقیه در صفحه ۲

درباره مسئله ارضی

در مورد اصلاحات ارضی برای روشن شدن اذهان دولت یک صفحه از کتاب ۸۰۰ صفحه‌ای را نقل میکنیم. امیدواریم باز هم بتوانیم برای خوانندگان عزیز قسطنطنیه را بیآوریم یا فرصتی بشود که به بحث پیرامون کتاب و مسأله ارضی بپردازیم.

••••• هر اقدامی که موجب رهائی از فقر و تنگدستی نشود و عدم اطمینان موجود را از میان نبرد و اهمیت استقرار امنیت را برای عامه مردم بیچ انگارد متحمل کامیابی نیست از این گذشته فرض اینکه با گذراندن قانونی میتوان نهضتی برای اصلاحات بوجود آورد تصویرست باطل. لازمه چنین جنبش تغییراتی آنچنان عظیم است که بیک انقلاب اجتماعی منجر خواهد شد و لازمه این امر نیز وجود عنصر رهبر است.

اما بیچ روی معلوم نیست که چنین عنصری از کجا ظاهر خواهد شد امکان اینکه مالکان در این راه بعنوان پرچمداران نهضت پیش قدم شوند سخت بعیدست آنهم نهضتی که نتایج فوری آن باعث تقلیل احتمالی امتیازات آنان خواهد شد.

تجارب گذشته و حال که در جای امیندواری باقی میگذارد که حتی آنان برای حفظ و نگهداری پایه و بنیاد وضع ممتاز خود در صدد سازی و مصالحه با دهقانان برآیند.

بقیه در صفحه ۴

آقای امینی: ملت ایران بیش از این تعطیل عمدی مشروطیت را تحمل نخواهد کرد

مصوبه ژوئن مجمع عمومی اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه

پس از هشت سال خفقان و فساد انتخابات دوره بیستم قانونگذاری مبارزه سرسختانه ملت ایران در راه بازگرفتن حاکمیت و شرافت ملی روبرو گردید.

در مدتی کمتر از یکسال این مبارزه مقدس، انتخابات دوره بیستم قانونگذاری را دوباره باطل گشاید بار اول امر انتخابات در اوضاع و احوالی بر گزار شد که هیئت حاکمه علیرغم میل باطنی خود باطل آن تن در داد.

این بار هم که میخواست انتخاباتی را که در شرایط غیر قانونی تر و خفقان آورتری انجام گرفته بود تحویل کند مبارزه پیگیر مردم ایران چنین نقشه شوم و خاننا نه ایرا نقش بر آب کرد و محفل انسی که بدست لرزان هیئت حاکمه با جلال و تشریفات باز شد بر اثر فشار مردم و از بیم خشم ملت بسته شد. در نبرد میان حق و باطل سرانجام حق بر باطل پیروز گردید و وابسته شدن این قانون فساد که میخواست چهار سال دیگر مقدرات ما را باز بجه خود کامکی تپسگران نماید تنگی از دامان مشروطیت ایران زده و شد.

اکنون ورشکستگان هیئت حاکمه که در آگاه ملت و ایدامه ورشکستگی سیاسی و اقتصادی آنرا صادر کرده است نغمه دیگری ساز کرده اند و میخواهند بیپانه اصلاحات، حکومت غیر قانونی و ضد ملی خود ادامه دهند.

نیروی شکست آور ملت ایران در دژ مستحکم جبهه ملی به پیروی از سنت رزمندگی دیرینه خود در برابر این طوطیه قد علم کرده و صد هزار نماینده بیدان جلالیه فرستاد تا بجهانیان بنمایانند که با هشت سال حکومت خون ریز و وحشت کوچکترین تنزل در راه آورده نیافته و مصمتر و آگاه تر بمیدان آمده است.

به پیروی و پشتیبانی از همین سنت و در برابر همین طوطیه ما دانشجویان ایرانی مقیم کشور فرانسه با استناد بقانون اساسی و متمم آن و اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور دانشجویان اعلام میداریم: ۱- نظر باینکه بنا بر اصل ۲۶ متمم قانون اساسی قوای مملکت ناشی از ملت است و بنا بر اصل هفتم متمم قانون اساسی مشروطیت کلاً و جزئاً تعطیل بر دار نیست، و نظر باینکه طبق اصل ۴۸ قانون اساسی در فرمان انحلال باید هم علت انحلال و هم تاریخ تجدید انتخابات ذکر شود و طبق همین ماده از انتخابات جدید باید حداکثر در ظرف یکماه از تاریخ انحلال آغاز گردد و مجلس جدید پس از سه ماه از تاریخ مزبور رسماً شروع بکار نماید و چون تاریخ انحلال ۱۹ اردیبهشت ماه ذکر شده است و دوره فترت مقرر در قانون اساسی بیش از یکماه کتشی پذیر نیست با توجه باینکه تاکنون کمترین اقدام و کمترین اشاره ای از طرف مسئولین درباره تجدید انتخابات نشده است از نیمه شب جمعه خرداد ماه ۱۳۴۰ آقای دکتر علی امینی و همکاران ایشان طوطیه کرانی علیه حقوق مسلم ملت ایران و ناقضین بی پروای اصول نامبرده در فوق بدستور اصل چهارم و هشتم قانون اساسی بشمار می آیند.

۲- نظر باینکه طبق مواد ۲۰، ۲۱ و ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان از او هر ملت فقط بوسیله نمایندگان حقیقی این ملت صحیح و معتبر است بمردم کشور ما حق میدهد که افکار جهان بشریت و سازمانهای بین المللی و دولت های دیگر را متوجه این طوطیه بسازد.

۳- نظر باینکه طبق اصل ۱۶ قانون اساسی کلیه قوانین باید بتصویب نمایندگان ملت برسد تفریق قانون انتخابات جز با تصویب نمایندگان ملت آنها نم نمایندگان که در محیطی آزاد و بدست مردم برگزیده شوند بهر شکل دیگر خود نقض قانون اساسی است، و نظر باینکه انتخابات آزاد در حدود قانون فعلی امکان پذیر است عنوان کردن توافق قانون انتخابات بجهت دیگری جز بیپانه در ادامه فترت بفتح طوطیه کران قابل تفسیر نیست.

۴- آنچه تاکنون مانع انجام انتخابات آزاد بوده است همان فساد درونی و تبهکاری آشکار هیئت حاکمه است نه نقض قانون انتخابات.

۵- نظر باینکه منشور دانشجویان آزادی و دانشجویان را شرط اول جستجوی حقیقت که هدف کسب دانش و فضیلت است قلمداد کرده و از طرفی دفاع از آزادی ملی هر گونه بیدارگری را مقدس ترین وظیفه دانشجویان دانسته است: اوامه مبارزه دیرین در راه نیل به آزادی و دفاع از آن همان انجام رسالت بزرگ تاریخی است که در این راه هرگز از برای نطو اهییم نشت.

اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه اعلامیه کمیته جبهه ملی وین دوستان عزیز - ایرانیان مقیم اطریش

پس از هشت سال خفقان، ملت در بند شده ایران در کادر جبهه ملی یاد میدان مبارزه گذارده کوشش میکند تا صدای ملتی زنجیر شده را بگوشی جهانیان برساند.

متینک و دوستان سوسیونهای چندین ده هزار نفری دانشجویان معاصرین، اصناف و بالآخره همه طبقات کشور ما برهبری جبهه ملی علیرغم محدودیتها و فشارهای غیر قانونی دستکاه حاکمه روز بروز عظیم تر شده و افکار جهانیان را بار دیگر بسوی این سرزمین کهنسال می کشاند.

دستکاه حاکمه تصور میکرد که پس از این مدت خفقان و فشار نسل جوان را از مبارزات و پیروزیهای گذشته بر خبر گذاشته و پایه های فکری نهضت را در میان آنها معدوم کرده است، ولی چه تصور باطلی! چون مبارزات اخیر که بسرموداری دانشجویان دانشکاه تهران و پشتیبانی کامل دانشجویان مقیم اروپا و آمریکا صورت گرفت نشان داد که نسل جوان محکم و استوار پیشاپیش مبارزات در راه حاکمیت ملی می جنگد.

اینک که جبهه ملی بصورت یک سازمان یکپارچه و اباید ثلوثی مشخص در ایران تشکیل شده از تمام دانشجویان و ایرانیان وطنخواه مقیم و بن طلب میکیم تا ما را در راه وحدت سازمانی کامل جبهه ملی یاری نموده و با ممانعت از هر نوع تشتت که خود مستقیماً بنفع دستکاه حاکمه است برای پیروزی جبهه ملی و حقوق ملیان پیروزیها کوشش کنند.

درد بد کتر محمد مصدق

کمیته موقت جبهه ملی وین وابسته بسازمان مرکزی جبهه ملی

انجمن دانشجویان ایرانی گراتس اطریش ۲۴، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۱۳۴۰ مقام محترم نخست وزیری - جناب آقای دکتر علی امینی رونوشت روزنامه کیهان - رونوشت هیئت اجرائی جبهه ملی ایران انجمن دانشجویان ایرانی « پرسپولیس » مقیم گراتس اطریش وابسته بفسد سوسیون اطریش و کنفدراسیون دانشجویان اروپا انجام انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی را طبق قانون اساسی ایران و ترتیبات شرکت در این وظیفه ملی را خواستار است. انجمن پرسپولیس

بقیه سرمقاله

است. همان دستگاہهای تبلیغاتی صدیق و وفادار و همان جراید ملی و قانونی! دم از ورشکستگی و حشمتک انتقادی کشور زدند و اعلام داشتند که کرک هاشی کرسنه و هارشر یا نهایی حیاتی مملکت را بدندان گرفته و خون ملت را آنجا میکده اند که از آن جز لاشه بیجانی بر جای نمانده است گردانند گان این صحنه های پر جوئی تبلیغاتی آنقدر طبیعی نقش خود را ایفا میکنند که توانسته اند ساده لوحانی را فریب داده بعنوان یک فرمان واقعی جلوه کنند. برای حل این معما و توجیه حوادث اخیر باید به تحلیلی از علل داخلی (اجتماعی و اقتصادی) و علل خارجی (دگرگونیهای دنیا) بپردازیم. همان اوضاع و احوالی که از تابستان گذشته با شروع اولین انتخابات مجلس بیستم تأثیر خود را در وضع سیاسی ایران باقی گذاشت و امروز با شدت بیشتری وجود دارد.

از نظر داخلی - در همان موقع بحث میشد که با ورشکستگی اقتصادی کشور که نتیجه فساد روز افزون دستکاه حاکمه، دزدی و سرقت اموال عمومی و انتقال موجودی کشور بحساب بانکهای خارجی اقتصاد بی بند و بار سرمایه داری - اعمال نفوذ و تسلط دول استعماری در معشوق اقتصاد - تنزل تولید و افزایش سرمایه و واردات بدستور نالاعلی تجملی ولو کس - خرابی و انهدام دهات، فشار مالکین، اخلاص در امور تجاری، فقر و فشار طاقت فرسانی را که بگردد ملت ایران تحمیل کرده، چنین وضعی قابل دوام نیست.

و انگیز فشار تا نامان حکومت های فاسد. سلب همه آزادی های قانونی و ایجاد محیطی مدام بارعب و هراس. ناراضی عمیق عمومی خصماً روشنفکران کشور را آشکار کرد.

از نظر خارجی - از سوی دیگر، تحولات سریع جهانی و آزادی ملت ها، پیروزی مبارزان آزادیخواه علیه استعمار با انقلابات داخلی برای تحول در سیستم های کهنه اقتصادی و اجتماعی، باره کردن زنجیرهای استعمار و بالآخره پیروزیهای درخشان ملت ها. علیه فقر و اسارت، راه آینده را برای سایر ملل سیر و ببند کشیده روشن ساخت دول استعماری منافع خود را در خطر دید.

منافع اقتصادی با آزادی ملت ها و سرنگونی حکومت های دست نشانده و انتخاب یک سیاست اقتصادی مستقل بر مبنای منافع ملی نبود کشت و تولید هدف های نظامی نیز از طرفی بعلمت تحول در تاکتیک های جنگی و ایجاد سلاحهای مدرن موشکی و اتمی که تقویت ارتش های کوچک همسایه شوروی را بی اثر می گذاشت و با این علت که پایگاه های نظامی امکان ادامه حیات نیافتند روز بروز بیشتر میشد.

تسایل روز افزون ملل با اتخاذ سیاست بیطرفی در صحنه سیاست های جهانی در مقابل درخواست آمریکا با ایجاد پایگاههای نظامی مقاومتی ایجاد کرد و به علاوه موشکهای قاره پیما، افکار مصنوعی ایستگاه های فضائی از ارزش نظامی آنها کم نمود.

این دو واقعیت چشمان تار گردانندگان صحنه های سیاست ایران و اخیر ساخت و در نتیجه ادامه چنان وضع را غیر ممکن میشود با این تغییرات و با توجه با اثرات گوناگون نیروهای سیاسی داخل و خارج در ایران نیز تجدید نظری لازم بود. زیرا فشار به نقطه انفجار رسیده بود و اوضاع بی ثباتی خطرناکی را نشان میداد.

برای رهائی از این انفجار بدنبال هر تغییر خارجی و بدنبال کسستن هر یک از زنجیرهای اسارت ملت ها در داخل ایران نیز تغییراتی صورت میگرفت. تبلیغات پر جنجال بکار می افتاد. مصاحبه ها تشکیل میشد که « ما چنین انقلاب و تحولی را از سالها پیش بدون خونریزی و اغتشاش و آشوب انجام دادیم و اینک کشور ما فرین سعادت و خوشبختی است » و در بر آن لایح اصلاحاتی تصویب میشد.

اما هر اقدام جدید دروغ و فریب بودن اقدام قبلی را که در زمان خود واقعی جلوه میداد آشکار ساخت. اما فریب و دریا هنوز ادامه داشت تغییرات مسموم و سیاست جهانی ورشد و بیشتر رسیدن نهضت های ملی و شدت ناراضی با آنجا رسید که سیاست های خارجی آشکارا از دادن هر گونه کمک خود داری کرده و صغیر فوق العاده این دولت تشخیص خود را بوزارت خارجه اعلام داشت و حتی پیمان سنتو تهدید مینمودی کردید. چگونه کنفرانس اخیر آنکارا و اظهار سریع وزیر امور خارجه آمریکا که «... نمی تواند در مورد کمک آمریکا قریب بدهد چون هنوز اعتباری که دولت کندی به سنای آمریکا پیشنهاد کرده تصویب نشده. بنابراین در حال حاضر نمی توان اظهار نظر سریعی در باره کمکهای آمریکا، بایران و پاکستان و ترکیه کرد»

در این میان مبارزه و بایاداری روشنفکران ایران که دامنه بیکار را تا تمام قشرهای ستمدیده ملت کشانده است و مقابل دایرانه آنها در مقابل فشار و تحقیرات هیئت حاکمه و نیز آغاز مبارزه جبهه ملی ایران پیروزیهای تازه ای برای مردم ایران و رسوائی های بیشتری برای دستکاه حاکمه بیار آورده است.

مجلس بیستم که با قیمت گزافی تشکیل گردید در مقابل اعتراض وسیع مردم دوام نیافت و به جریانات بعدی با ایجاد قشرهای تازه ای جهت مبارزه برای تحول راستین و واقعی کمک کرد. این بار تحولی بس معیشت و انقلابی وسیع تر لازم بود تا آبهارا از آسیاب بیندازد و در نتیجه اعتماد آمریکا جلب شود از این جا میتوان بارزش و عمق تحولات و حوادث اخیر پی برد. مبارزه با فساد و غارت بدست چه کسانی صورت میگردد. آیا مجریان قانون مومن شده اند؟ نمایندگان ملت قدرت را باختیار گرفته است.

امینی دکتر استالینته نه طیبیه کلاسهای درس خارجه را گذرانده است. از خانواه معروفی است که لشت نشاء از سابقان دراز مفرشان بود و بسیاری از نقاط دیگر نیز هم در صحنه سیاست ایران

بقیه در صفحه ۳

بقریه حواصک آزادی

نه جای شکوه دروغین، بل منان غرشهای کوبنده، بشوق پیروزی آکنده. صمیم، صادق، استوار. چهره ها گرفته از خشم دیرین، جاندار. رنگ گرفته، باخته. چیده، خمیده، افراخته. بدرقه شان خاک و گرد. کوه، دشت، نشیب و فراز. درمراستان، شورعیان. با دستپائی بسته و در پیچه های قلبها بر روی فردای می غروب باز. صفا و وفا با قلبهایشان همراه بی شکیب، ملتعب، بی آرام

* سینه فراع آسمان را شکافته. برق جلال و شکوه فراهم شده از کوهها، دشت ها - معدن ها آرزین بسته از خون ها، رگ ها، استخوانها گره در گره، پیچ در پیچ مرواریدها. ستونهای بر نقش. و کنکره های مفرس طلا کوب، نقره قام. و شکلهائی آهتین.

بر روی بام ها، در پیچه ها، دیوارها. رزم آور، بر کین. سر بر هاسی قل زده، شمشیر ها جلاداده، آبدیده

* شبیورها آماده، طبلها فراهم شده صف ها سلاحها، بیرقها هیاهوی سرداران، سپاهیان و ناکبان.

خاموش کشفده، هراسان، پرسنده، بر هودجی گران آراسته از مروارید تراشیده، بر برق بازنگوله هائی بر هیاهو نیب خروشان، نیزه داران با بھاگ افتادن آدمک ها جبه پوشان، کلاه داران. از یافتن حمایتی چنین بر جلال بر خود بیابند.

درون هودج - خوابیده بر روی شانه چهار کس چون بستری آرام -

هیبتی فرورفته در انماس و زبرجد لمبیده بر روی بالشی از دیبا و پرنیان مست از اشربه

مخمور از مخدر با حمایتی بخود بخشیده هراسان. در جستجوی تخیلی تازه و بکر چشمها خیره از برق شمشیرها،

جلای سپهرها، ولوله توپها، نشانده بر بامها و بدینسان مفرور، بر کینه، اندیشناک.

* و هیاهوی گران که برخاسته بود - بدانسان که باید - باغریو خروشنده

فرا رسید بر آستان پر شکوه و بیکرهای مردان، زنان، کودکان با نگاهی چوینده، پرسنده. هودج گران را که

ز روسیم گران آراسته بود حایل شد و غریب بر خاست گران تر که:

« زنجیر از دست و پامان بکشا، نانمان ده تا نه میریم آزادمان بگذار تا زندگی کنیم»

و تکرار میشد: شکنده نر، کوبنده ش از گروه بی آرام. که زندگی میخواستند: با آزادی، با آبادی

* سرداران آماده، سپاهیان جلاک چشم دوخته بر هودج گران - خوابیده بر روی شانه چهار کس چون بستری آرام

که دستی از آن بدر آمد. باشلاقی سیمین که هوار میشکافت با هر چرخش که نشان فرمانی بود، آتش

غریب بر خاست از دهانه توپها - نشانده بر بامها - و بحرکت در آمد دریائی از دویین، پر کین. و آستان پر شکوه

رنگ گرفت چون سرخی فلک و زینت یافت دوباره، سنگفرشها و شلاق سیمین همچنان هوا را میشکافت « سیروس »

بقیه پیرامون بی طرفی از صفحه اول

هنوز درک درستی از مفهوم بی طرفی ندارند. چند هفته قبل آقای امتین طس معاصبه ای بابی منطقی عجیبی اظهار داشتند: «مگر با خروج ما از پیمان سنتوپول بایران سرازیر میشود». هفته پیش هم اظهار داشتند: «در شرایط کنونی بعقیده من بی طرفی برای ایران بهیچوجه منالوجوه مفهومی نداشته و ندارد».

مردم کشور ما از زمان مشیرالدوله و مستوفی انصالح خواستار آن بودند که سیاست بی طرفی واقعی پیش گرفته شود و این سیاست در زمان آقای دکتر مصدق تازه شکل می گرفت که کودتای ۲۸ مرداد مانع از ادامه آن باشد.

الف - تعریف بی طرفی - همانطوریکه گفته شد بی طرفی ما میرسد که عده ای درک درستی از مفهوم بی طرفی ندارند و بایاید حد اقل گفت که خوراک کوچک علی چپ» میزند و با عناوین غلطو تعاریف نادرست می خواهند از اهمیت اتخاذ سیاست بی طرفی بکاهدند.

بی طرفی برای ما فقط بمعنوی خروج از پیمان سنتو و پیمان نظامی دو جانبه با آمریکا نیست ، خروج از این پیمانها يك قسمت قضیه است و قسمت عمده و مهمش عبارت از اینست که ما از وابستگی به دولت شروع شده، تابلوی باشکاه جبهه ملی از طرف مأمورین دولت در نیمه شب، دزدیده شد. و این عمل دو بار تکرار گردید - و نیز بطور مداوم دانشجویان آزادیخواه دانشگاه تهران از طرف مأمورین دستگیر میشوند و همه این نمونه ها، نشانه هماهنگی و اتحاد هیأت حاکمه علیه مبارزین وطن ماست.

سلب آزادی در شهرستانها به نحو بسیار شدیدی ادامه دارد نمونه ای از این اقدام ضد آزادی دولت در کاشان، شهر آزادگان اتفاق افتاد. طرفداران جبهه ملی در کاشان در روزهاشورا قصد چاپ بیانیه ای در زمینه تجلیل از مبارزه آزادیخواهان داشتند که از طرف مأمورین دولت ممانعت شد، در باره ادامه این تشییقات وسیله نامه به دکتر امینی و جراید پایتخت اعتراض شده که ضمن آن نوشته شده بود: «وجود يك چنین نمونه های روشن از موانعی که مأمورین دولت در راه فعالیت های منطقی و آرام هواداران جبهه ملی در شهرستانها فراهم میسازند ، با ادعاهای دولت آنجناب مینویس بر عدم هرگونه تبعیضات مبنای اساسی در برابر همه مبارزان و روشی تبعیض».

کمیته دانشجویان ایرانی مقیم مونته لیه فرانسه وابسته به جبهه ملی ایران ضمن بیانیه ای به روش دولت در مورد شروع انتخابات شدیداً اعتراض کرده اند. ضمن این بیانیه متذکر شده اند «امینی نمی تواند بپذیرد که این نقض قانون انتخابات فعلی نیست بلکه دخالت های غیرقانونی دولت های نالایق و فاسد، رجاله های چون کاتم مسعودی را برعهده کش در مجلس منصوب می نماید . متن تلگراف اتحادیه دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه به دکتر امینی

رونوشت آقای کاظمی رئیس شورای مرکزی جبهه ملی - رونوشت اتحادیه روزنامه نگاران

آقای نخست وزیر - تهران

نظر باصل ۴۸ قانون اساسی دولت موقت است پس از انجذاب مجلسین بناصله یکماه انتخابات را آغاز کند تا تعطیلی در مشروطیت روی نهد. نظر بمنشور دانشجو که اتحادیه صنفی را موظف بدفاع از منافع ملی میدارد اتحادیه دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه : تاخیر انتخابات را تجاوز بقانون اساسی کشور میداند

به تعطیل مشروطیت بهر صورت شدیداً اعتراض مینمایند و عمراً خواستار است که دولت با رعایت آزادیهای فردی و اجتماعی انتخابات را در تاریخ مقرر در قانون آغاز کند.

بدنیال مزاحمتی که در همه شهرستانها جهت مبارزین جبهه ملی ایران از طرف دستکاه دولت فراهم شده چند روز قبلش تن از دوستان مبارز ما آقایان حجاززاده، باستانی، وادگر، کورکی سامانی پور، سلطانی، دراهواز وسیله سازمان امنیت دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفتند.

رئیس سازمان امنیت اهواز سرهنگ سلیمی است که گویا در تهران اقامت دارد و دو تن دیگر: فلک فرساوشیروانی مأمور دستگیری و شکنجه طرفداران جبهه ملی در اهواز بودند.

ما اعلام می کنیم که این مأمورین نمیتوانند بعد ها به فرمول مسطره مأمور معذور است استناد کنند.

مدت یکماه است که عده ای از کارگران نفت خوزستان را جهت مذاکره برای تعیین حداقل مزد آنان به تهران آورده اند اما بعد از یکماه بآنان اطلاع میدهند مذاکره بجائی نرسیده است هر يك از کارگران نفت خوزستان که در تهران هستند توسط مأمور سازمان امنیت تعقیب میشوند که مبادا کارگران با اعدای جبهه ملی ایران تماس بگیرند.

دوستانی که قصد همکاری با ما دارند نظرات و مقالات خود را بوسیله صندوق باشکاه جبهه ملی برای ما بفرستند پشت پاکت جمله «پیام دانشجو» حتماً قید شود.

بلو کناه جدا شویم و بتوانیم آنطوریکه دکتر بختیار در متینک عظیم ۲۸ اردیبهشت گفت: «يك سیاست مستقل ایرانی اتخاذ کنیم».

اینکه آقای امینی استدلال می فرمایند که ما با وجود بی طرفی در جنگ اول نتوانستیم در کنفرانس ورسای راه یابیم ناشی از این اشتباه است که بی طرفی را فقط به نداشتن پیمان نظامی با فلان یا بهمان کشور تعبیر می کنند. در حالیکه در جنگ اول درست است که ما ناهراً بی طرف بودیم و پیمان و قراردادای با کسی و بر ضد کسی نداشتیم ولی ما عملاً به بعضی از دول امپریالیستی و استعماری وابسته بودیم و بدلیل همین وابستگی دول جهان ما را بعنوان يك واحد مستقل سیاسی نمی شناختند.

بنابراین بی طرفی در معنی واقعی خود و آنطوریکه ملت ایران می خواهد و می تواند برای ما مفید باشد عبارت از «عدم هرگونه وابستگی» است.

این سیاست بما امکان میدهد که بتوانیم بصورت يك واحد مستقل سیاسی عرض وجود کنیم . از کمکهای هر دو بلوک طبق مصالح ملی خود استفاده کنیم بدون آنکه تبدیل بیک زائده سیاسی و اقتصادی و نظامی شویم بدیهی است که بقول نهر و « هر موقع که بخواهیم تمایلی داشته باشیم بیکی از طرفین متمایل میشویم زیرا سیاست ما سیاست مستقلی است ، سیاست منفی نیست بلکه سیاستی مثبت است »

(سخنرانی نپرو ۱۷ اوت ۱۹۶۰ در مجلس سنای هند پیرامون سیاست خارجی هند)

ب - ببینیم دلایل آنهاییکه اتخاذ سیاست بی طرفی و عدم وابستگی را بهیچوجه منالوجوه صحیح نمیدانند و برای آن مفهومی نمیشناسند چیست ؟ دلیل ظاهر پسندی که ارائه میدهند و اغلب چه در موقع بستن قراردادها وجه بعد از آن هنگام دفاع از این قراردادها با بیان والفاظ مختلف تکرار کرده و میکنند همانست که آقای امینی در مساحبه های خود چندین بار متذکر شدند و لب مطلب اینست که : «ما در دو جنگ بی طرف بودیم و نتیجه ای از آن ندیدیم » در پاسخ باید گفت :

اولاً - ما در هر دو جنگ گذشته بمعنی واقعی بی طرف نبودیم . در جنگ اول همانطوریکه گفته شد سیاست ما آشکارا وابسته به بعضی از سیاستهای استعماری بود و در جنگ دوم نیز میرفتیم که از پای بوسی این آستان قدرت یعنی انگلستان بپای بوسی آستان قدرت نوتلپور و متحرک و متجاوز دیگر یعنی آلمان هیتلری که برای زمانداران آنوقت جذب و شوکت خاصی داشت نائل آنیم .

ثانیاً - شرایط بین المللی عصر حاضر مسائل جدیدی را مطرح کرده است که ابتدا قابل مقایسه با شرایط بین المللی هنگام جنگ اول و جنگ دوم نیست و جای تاسف است که آقای امینی که بعنوان نخست وزیر فعلاً بر کرسی صدارت تکیه زده اند باین تغییر شرایط بین المللی که روابط بین المللی را بتکلی تغییر داده توجه ندارند .

و بنا بر این استناد باینکه ما در جنگ بی طرف بودیم و نفعی نبردیم بدون توجه به عوامل و شرایط جدید بین المللی است و اگر اصرار دارند که دلیلی برای سیاست وابستگی ما برآشاندیم تر است که قدری بیشتر فکر کنند .

ثالثاً - موقعیت خاص جغرافیائی کشور ما بحوری است که در يك « جنگ عمومی » چه ما با طرفی باشیم چه بی طرف کشور ما بیکی از میدانهای حتمی و اولیه جنگ تبدیل خواهد شد و حد اقل ضرورت وابستگی ما اینست که در يك جنگ عمومی تجاوز بسارا تسریع خواهد کرد و جلوتر خواهد انداخت و این مطلب نه تنها در مورد کشور ما بلکه در تمام مورد کشورهای که موقعیتی نظیر ایران دارند صادق است و بدین ترتیب پیمانهای نظامی و وابستگی کنونی دردی را دوا نخواهد کرد و تصمیمی برای جلوگیری از خطر تجاوز و حمله بسا در يك جنگ عمومی بشار نمی آید .

و اما ما بجای اینکه عمداً خود را وارد در ماجراهای نظامی کنیم باید در تحقیق بحرانهای بین المللی بکوشیم و مطابق مقدمات و امکانات خود مانع از ایجاد فاجعه جدید جنگ جهانی شویم .

رابعاً - اگر بر فرض این استدلال را قبول کنیم که ما از بی طرفی طرفی نبسته ایم و در گذشته با وجود بی طرفی بسا تجاوز کرده اند و بنا بر این سیاست بی طرفی درست نیست خیلی مسخره است وقتی که می بینیم فی المثل پیمان سنتو (که گویا باید ما را از تجاوز بقیه در صفحه ۴

مهربانست که سالهاست میداننداری میکند: با هر دو روش کار کرده و بهر گوشه ای هم چسبیده اند. و بارها رندانه از آزادی و آزادیگی سخن گفته و بیانیه صادر کرده اند. اعضای قرارداد کنسرسیوم را بانجام رسانده اند. سواً این سالهاست مردم ایران را ناخوشایند است و داغ فنگی است بر چهره ایشان. گاه نیز فتق مملکت را در خارج رتق کرده و سوسو صدائی نیز برای انداخته اند. در انتخابات تابستانی امسال علمی برآه انداخته اند و عده ای نیز بزرگواران ایشان سینه هازده اند و امروز بنواها رسیده اند. و درباره اعضای کابینه ایشان حرفی نمی زنیم چون عده ای را می شناسیم و در باره دیگران نیز همه مردم چندان آگاهی دارند که بگویند «باید از خناری خمیازه دیگری بکشیم» این است که میتوان گفت چنانچه از هیأت حاکمه جناح دیگری را برای مدتی با صحنه سازیهائی چند کنار میزنند و هبائوئیس عظیم برآه میاندازد و در نتیجه بزرگترین قتلوال ایران می خواهد اصلاحات ارضی نماید.

مهربانست که سالهاست میداننداری میکند: با هر دو روش کار کرده و بهر گوشه ای هم چسبیده اند. و بارها رندانه از آزادی و آزادیگی سخن گفته و بیانیه صادر کرده اند. اعضای قرارداد کنسرسیوم را بانجام رسانده اند. سواً این سالهاست مردم ایران را ناخوشایند است و داغ فنگی است بر چهره ایشان. گاه نیز فتق مملکت را در خارج رتق کرده و سوسو صدائی نیز برای انداخته اند. در انتخابات تابستانی امسال علمی برآه انداخته اند و عده ای نیز بزرگواران ایشان سینه هازده اند و امروز بنواها رسیده اند. و درباره اعضای کابینه ایشان حرفی نمی زنیم چون عده ای را می شناسیم و در باره دیگران نیز همه مردم چندان آگاهی دارند که بگویند «باید از خناری خمیازه دیگری بکشیم» این است که میتوان گفت چنانچه از هیأت حاکمه جناح دیگری را برای مدتی با صحنه سازیهائی چند کنار میزنند و هبائوئیس عظیم برآه میاندازد و در نتیجه بزرگترین قتلوال ایران می خواهد اصلاحات ارضی نماید.

بقیه سر مقاله از صفحه ۴

مهربانست که سالهاست میداننداری میکند: با هر دو روش کار کرده و بهر گوشه ای هم چسبیده اند. و بارها رندانه از آزادی و آزادیگی سخن گفته و بیانیه صادر کرده اند. اعضای قرارداد کنسرسیوم را بانجام رسانده اند. سواً این سالهاست مردم ایران را ناخوشایند است و داغ فنگی است بر چهره ایشان. گاه نیز فتق مملکت را در خارج رتق کرده و سوسو صدائی نیز برای انداخته اند. در انتخابات تابستانی امسال علمی برآه انداخته اند و عده ای نیز بزرگواران ایشان سینه هازده اند و امروز بنواها رسیده اند. و درباره اعضای کابینه ایشان حرفی نمی زنیم چون عده ای را می شناسیم و در باره دیگران نیز همه مردم چندان آگاهی دارند که بگویند «باید از خناری خمیازه دیگری بکشیم» این است که میتوان گفت چنانچه از هیأت حاکمه جناح دیگری را برای مدتی با صحنه سازیهائی چند کنار میزنند و هبائوئیس عظیم برآه میاندازد و در نتیجه بزرگترین قتلوال ایران می خواهد اصلاحات ارضی نماید.

ای فردا ...

میخوانم و میستایم پر شور، ای پرده دلفریب رؤیا رنگ! می بوسم، ای سپیده کلگون! ای فردا، ای امید بی نیرنگ! دیر است که من بی تو می پویم.

هر سو که نگاه میکنم، - آوخ! غرقست در اشک و خون، نگاه من. هر گام که پیش میروم، بر پاست سر نیزه خونفشان بسراه من. وین راه یگانه: راه بی برگشت!

ره می سپریم همراهِ امید، آگه زرنج و آشنا با درد يك مرد اگر بخاک میافتد بر می خیزد بجای او صد مرد، اینست که کاروان نمیماند.

آری، ز درون این شب تاریک ای فردا، من سوی تو میرانم! رنج است و درنگ نیست، می تازم مرگ است و شکست نیست، میدانم آبستن فتح ماست این پیکار.

میدانم ای سپیده نزدیک، - ای چشمه تابناک جان افروز! - کز این شب شوم بخت بد فرجام بر می آئی شکفته و پیروز - و ز آمدن تو: زندگی خندان -

می آئی و بر لب تو صد لبخند می آئی و در دل تو صد امید - می آئی و از فروغ شادی ها تابنده بدامن تو صد خورشید. و ز بهر تو باز گشته صد آغوش

در سینه گرم تست، ای فردا! درمان امیدهای غم فرسود - در دامن پاک تست، ای فردا پایان شکنجه های خون آلود ای فردا، ای امید بی نیرنگ! ... پایان

مقاله ای بعنوان تشکیل سازمان دانش آموزان و رهبری نسل جوان کشور ما رسیده بود که بعلت تراکم مطالب . بدرج آن در شماره های آینده اقدام خواهیم کرد

زنان و دختران ایران از خواندن (اطلاعات بانوان) نشریه دستگاه ارتجاعی خودداری میکنند

بدانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و اروپا درود میفرستیم و مبارزه منطقی آنان را نشانه اتحاد نسل جوان کشور خود میدانیم

بقیه پیرامون بی طرفی

حفظ کند) با تکیه بر دولتی نظریه دولت استعماری افغانستان تشکیل شده که در حدود ۱۵۰ سال مستقیم و غیرمستقیم بحاکمیت ملی و قلمرو ما تجاوز کرده است و بنا بر این یک چنین دولت استعماری را «شامین» خود فرادان خیلی حرافت میخواند. بنظر میرسد که شرکت ما در پیمان سنتو که عملاً در تحت رهبری دولت انگلستان است این مطلب را بخوبی ثابت میکند که نظر هیئت حاکمه از شرکت در این پیمانها بخاطر بدست آوردن تضمینی برای حفظ تمامیت ارضی وطن ما نیست بلکه بخاطر یافتن تکیه گاه در خارج از مرزهای کشور است زیرا در داخل کشور و در بین مردم تکیه گاه ندارد

خامساً - اگر عده ای خیال میکنند که پیمانهای نظامی و وابستگی ما بغرب تضمینی است برای اینکه در مواقع عادی و در بحرانیهای محلی (بدون اینکه یک جنگ عمومی درگیر شود) کسی خیال تجاوز با ما را در سر نپروراند ، در این مورد نیز باید گفت بدلیل موفقیت جغرافیائی کشور ما که قسمتی از «مرزهای جهانی» را تشکیل میدهد تجاوز با ما نمیتواند صورت گیرد و تجاوز با ما بمنزله آغاز یک کشمکش بزرگ بین المللی است و وضعیت بین المللی بوضوح نشان میدهد که هیچیک از دو طرف شرق و غرب حاضر نیستند مسئولیت جنگ را بعهده بگیرند

از طرف دیگر ، امروزه عامل مهمی که جلوی بسیاری از تجاوزات را بگیرد عکس العمل افکار عمومی جهانست و حتی در گذشته بسیار نزدیک دیدیم که دولتهای متجاوز تحت تاثیر قدرت افکار عمومی جهان مجبور شدند دست از تجاوز بردارند. در حالیکه ما بخوبی میدانیم اگر دولتی که باین یا آن بزرگ وابسته است تجاوزی شد عکس العمل مخالفت آمیز افکار عمومی در مقابل این تجاوز بسیار کوبانند است زیرا در حقیقت یک چنین دولتی با اعلام وابستگی خود را آماده برای قبول چنین تجاوزی کرده است ولی برعکس اگر بدولتهائی که بیطرف هستند تجاوزی شود افکار عمومی جهان بشدت برانگیخته میشود و چه بسا که همین عکس العمل شدید مخالفت آمیز، دولتهای متجاوز را بر سر جای شان می نشاند. این مطلب را حتی آقای ایزنهاور هم خوب می فهمد و در سخنرانی خود که در تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۶۰ در انجمن معارف و نگاران آمریکا در واشنگتن ایراد کرد تقریباً با همان عبارات بالا این مفهوم را بیان داشت که خطر تجاوز بیک کشور وابسته بیشتر از خطر تجاوز بیک کشور بیطرف است .

ج - نتایج سیاست وابستگی بغرب
سیاست وابستگی ما بغرب چه نتایجی داشت و شامل چه «منافع»! برای ملت ما بوده است ؟ به پیش می آید از این وابستگی و با طرفی چه طرفی بسته ایم ؟ بطور خلاصه وبدون شرح و بسط زیاد نتایج عمده ای را که سیاست وابستگی بغرب برای ملت ما ببار آورده میتوان بترتیب زیر بیان داشت

۱ - تخریب ارزش ۲۰۰ هزار تفری ، ساختن سربازخانه ها و فرودگاه های نظامی احداث پایگاههای مختلف نظامی که ما را در صفاول خطر قرار میدهد و هیچ بعید نیست که حتی روزی «خطرناک» ناشی از پروازهای جاسوسی (نظیر واقعه یوس - ۲) بمباری آورد در حالیکه هیچ مصلحت نیست که خاک کشور ما برای چنین مقاصدی بکار رود.

و اما بهتر است که تشریح علت وجودی ارزش ۲۰۰ هزار تفری ایران را که آمریکا اینپسه در تخریب ارزش می کوشد و بیش از ۴۰ درصد بودجه ما را می بلعد از آقای سنا توره فری بشنوید: « آیا می دانید که فرمانده ارتش آمریکا بیکی از ما چه گفت ، او گفت: در سایه کمکهای آمریکا وضع ارتش ایران خوب است یعنی اکنون توانائی آنرا دارد که به مردم شوروی مبارزه کند ، و سی این ارتش مقصد جدیدین یا روسها را ندارد ، بلکه نقشه اش این است که با مردم ایران بجنگد »

« روزنامه کیهان ۴ شنبه ۱۰ خرداد ترجمه از نیوزویک »
بآنچه که گفته شد رقم ۶۴۰۰۰ دلار طرح سالانه ما را در پیمان سنتو باید اضافه کرد که خود آقای امینی در زمان سفارت خود در آمریکا این رقم را بدست داده اند.

۲ - میلیاردها دلار وام باشد با شرایط سنگین کم رکن بدون اینکه با این وامها حتی یک مؤسسه تولیدی و صنعتی دایر شده باشد و مطابق یک حساب سال اقتصادی آزادی عمل مادر گرویی او بدهندگان فرار دارد.

۳ - وجود عده زیادی مستشار نظامی و غیره .

نتیجه فرعی وجود این عده اینست : چون این مستشاران حقوقهای گزافی دریافت میدارند و قدرت خرید زیاد و نامتناسبی در اختیارشان قرار دارد که این خود عامل بسیار مهمی در بالا رفتن سطح قیمتهاست و تاثیر این حقوقهای گزافی در بالا رفتن کرایه خانه ها بخوبی چشم میخورد و علت اینست که در سالهای اخیر مرتب خانه های لوکس میسازند در روزنامه ها آگهی میکنند که « ساختمان لوکس و مدرن برای

بقیه مسئله ارضی

چه تجارب گذشته وجه خط مشی وقایع جاری دلالت ندارد بر اینکه تصور کنیم دولت عملاً چنین اصلاحاتی را رهبری خواهد کرد پیوسته سخن از اصلاحات و عدالت اجتماعی در میان بوده اما برای تحقیق این امور اقدامی نشده است روزگاری دراز پیش از این یعنی در (۱۲۵۹ - ۶۰) سیدجمال الدین اسدآبادی گفته است « رجال ایران در سیاست و صفت کلام مهارت دارند ولی علم آنها بی عمل است اگر یک قسمت از صد قسمت فوایدی که در گفتار صرف میکردند در کردار بدل نمینمودند ایران از حیث ترقی و ثروت و عظمت و قوت در مصاف دولت عظیمه فرار داشت » این سخن را امروز هم میتوان تکرار کرد و نوشت.

نقل از صفحه ۶۸۳ کتاب مالک وزارت معارف نوشته دکتر ملتون ترجمه منوچهر امیری

اجاره بخارجیان « آماده داریم همین است ۴ - محروم ماندن از کمکها و وامهای دیگر کشورهای جمله شوروی که حتی اگر بخاطر رقابت با دول غربی هم که باشد حاضر بپردازن کمک با شرایط سهلتر و آسان تری میباشد . گویا حاجت بقدر این نکته نداشته باشیم که برای کشورهای عقب مانده ای نظیر ایران استفاده از کمکهای بدون فید و شرط از جانب هر که باشد بسیار مفید و لازمست در حالیکه سیاست وابستگی هیئت حاکمه باعث شده است که مافط از دول غربی انتظار کمک داشته باشیم و آنها نیز بدینخواه شرایط سخت خود را بما تحمیل میکنند ، در حالیکه همین دول غربی وقتی که پای کشورهای نظیر هندوستان و افغانستان میان می آید با شرایط بسیار سبلی بآنها کمک میکنند و دلش نیز بسیار ساده است آن کشورها قید بند وابستگی را بدست و پای خود نیستند و مثل هیئت حاکمه ایران دست و پای کشور خود را در پرست گردونکرده اند آنها از هر کجا که دلشان بخواهد میتوانند احتیاجات لازم را بر آورده سازند از طرف دیگر ماهیت کمک دول غربی بکشورهای نظیر ایران تا کنون این بوده است که با ریب سنگینی بما فرض بدهند بدون اینکه این فرضها دردی را دوا کند ، در حالیکه کشورهای بی طرف با استفاده از تضاد ها و موقعیت ها اعتبارات زیادی از هر دو طرف برای ایجاد صنایع و موسسات تولیدی دریافت داشته اند و هر وقت که دول غربی حاضر بقبول کمکهای مورد درخواست آنان نشدند از شوروی قبول کمک کردند

برای مثال ، مسئله احداث کارخانه ذوب آهن را در نظر بگیرید . ما سانهاست که با دول غربی در این مورد مذاکره میکنیم و شاید بیش از ملیونها ریال بچیب کارشناسان آنها ریخته ایم تا در باره این مسئله با اصطلاح « مطالعه » کنند ، در حالیکه آنها بدلیل خصیصیت رژیم سرمایه داری بسادگی حاضر نخواهند بود کارخانه ذوب آهن و فولاد ریزی و مؤسسات صنایع سنگین در ایران (و یا در کشورهای دیگر) تأسیس کنند و یک بازار عمده کالاهای خود را از دست بدهند . در حالیکه دول دیگری مثل هندوستان و افغانستان و بتازگی عراق از برکت سیاست بیطرفی خود توانستند مستقلاً تصمیم بگیرند و با کمک شوروی و امریکای صنایع سنگین خود را پایه گذاری کنند و حتی کارخانه ذوب فلز هند مدتیست که بپیره برداری پرداخته و در کشورهای دیگر نیز سرعت ساختمان کارخانه در جریان است .

۵ - وابستگی ما بدول استعماری غرب باعث شده است که اتخاذ سیاست اقتصاد ملی مستقل عملاً برای ما غیر ممکن باشد و بهین دلیل کشور ما بانبار اجناس بنجل و انواع و اقسام کالاهای خارجی مبدل شده است که اقتصاد ما را بورشکستگی کشانده است و باعث شده که کارخانه ها پشت سر هم بسته شود و هزاران نفر کارگر و خانوادهاشان بی پناه و گرسنه آواره شوند

۶ - در مسائل بین المللی هیئت حاکمه کور کورانه از سیاست دول غربی پیروی میکند و کوچکترین استقلال رای و نظری از خود ندارد و این مسئله بخوبی از روش هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد هویداست . همین امر باعث شده است که روابط ملل با کشورهای مستقل آسیائی و آفریقائی سرد و سست باشد و در خانواده کشور های مستقل آسیائی و آفریقائی محلی از اعراب نداشته باشیم .

۷ - ما در اینجا از اثرات اجتماعی این وابستگی و از نتایج گوناگون و مختلفه آن صحبت نمیکنیم ، از این بحث نمیکنیم آنچه را که بقول آندره فیلیپ میتوان روش زندگی آمریکا نامید (منظور طرز زندگی آمریکائی است) چگونه فساد و تباهی را با خود بارمغان آورده و چگونه نسل جوان ما را با انحطاط و پستی و تباهی کشانده است و چگونه روحیه لوکس و تجمل پرستی را که متناسب با سطح درآمد کشور ما نیست گسترش داده و از این راه نیز برای کالاهای لوکس آنها مشتری دست و پا میشود .

۸ - مجموعه آنچه که تا کنون بیان کردیم ما را باین نتیجه میرساند که سیاست حکومتهای کودتائی

اولاً نادرست - غیر عقلانی خائفانه و ضد ملی است ثانیاً - چنین سیاست ضد ملی ناشی از علت وجودی خود حکومت کودتاست ، ناشی از اینست که حکومت کودتائی فاقد استقلال میباشد .

و بوسیله سیاستهای خارجی ساخته و پرداخته شده و به ملت ما تحمیل گشته است و امروز از آقای ایدن و ایزنهاور گرفته تا آن دالی رئیس اداره جاسوسی آمریکا عربده میکشند که ما در ۲۸ مرداد ایران را نجات دادیم یعنی ما « قیام ملی ۲۸ مرداد (!) آفریده ایم و بدین ترتیب تکلیف « قیام ملی ۲۸ مرداد » را هم یکسره می کنند و اما مفهوم نجات دادن را هم لاید می دانند که فعلاً دولت حتی برای تأمین حقوق کارمندان خود عاجز مانده و کاسه گدائی بدست گرفته است و البته وقت نشه ایجاد چنین حکومتی را در ادارات جاسوسی کشورهای استعماری طرح ریزی کنند بدون شک جهت سیاستش را نیز آنان تعیین خواهند کرد .

بدیهیست که مردم از دولت امینی ویا دولتهای نظیر او انتظار ندارند که بتوانند ما را از این وابستگی اسارت آور نجات دهند و جهت سیاست مملکت را تغییر دهند و « سیاست مستقل ایرانی » در پیش گیرند زیرا موجودیت دولت آقای دکتر امینی نیز از همانجائی آب میخورد که دیگر دولتهای کودتائی از آن الهام می گرفتند در حالیکه ما عمیقاً معتقدیم فقط دولت ملی که با تکیه بر نیروی مردم و تأیید دیشیبانی ملت بر سر کار بیاید قادر خواهد بود ما را از وابستگی های اسارت آور کنونی نجات داده و با تکیه بر قدرت ملی سیاستی مستقل با توجه به شرایط و مقتضیات وطن ما در پیش گیرد. حوادث بغوی نشان میدهد که ما بدینسو در حرکتیم .

پایان

بقیه مقام دانشجوی

سپاه جهل سلاح افکند به پیکارش که هست تیغ هنر در نیام دانشجو
هم از ریاضت فکر و مجاهدت باشد هماره توسن اقبال رام دانشجو
فضیلت است نهان در نهاد دانشمند صراحت است عیان در کلام دانشجو
هر آنکه منزلت فضل محترم دارد فضیلتی شمره احترام دانشجو
جوهر است « بیشه شیران » و فضای دانشگاه سزد که نام کنیهش کنام دانشجو
بگوش خلق رساند نوید پیروزی طنین گوش نواز « پیام دانشجو »
که ستیزه مریزادان همایون دست که کوس فتح بکوبد پیام دانشجو
قوام مملکت اندر دوام آزادی است چنانکه هست بدانش قوام دانشجو
بودنهانکه گنجینه های عشق و امید خجسته خاک وطن زیر گام دانشجو
کنونکه دوره دانشوری و دانائیت سزد که دور بگردد ، بکام دانشجو
سلام هموطنان جمله سوی او ستکه هست سلامت وطن اندر سلام دانشجو
بدین نطفه که بلند است صیت شعر (ادیب) بلند باد بکیتی مقام دانشجو

نگته

وزیر فرهنگ گفت : رئیس دانشگاه شیراز را برکنار کردم ایشان (دکتر قربان) علاوه بر تخلفاتی که در مدت هشت سال کرده است علاوه بر ریاست دانشگاه دوازده شغل دیگر نیز داشته است . مطب ریاست دانشگاه ریاست دانشکده پزشکی ریاست آموزشگاه معاماتی ریاست بهداری استان ریاست سازمانهای همکاری فنی ایران و آمریکا ریاست پزشکی قانونی معاونت نیابت عالیه شیروخورشید سرخ مدیریت عامل سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی ریاست بهداری کارخانجات نساجی پزشکی زایشگاه تدریس در آموزشگاهها و دانشکده ریاست هیأت مدیره رادیو لژی .

آیا باین ترتیب از عهده اداره دانشگاه میتواند استقند بر بیایند (روزنامه کیهان)

آقای دکتر قربان که برای ملاقات و مذاکره با آقای نخست وزیر به طهران مسافرت کرده بودند روز پنجشنبه اول تیر ماه بشیراز مراجعت کردند و مورد استقبال گرم رؤسا و معاونین دانشگاهها و تعداد زیادی از دانشکاهیان واقع شدند .

دکتر قربان در این مسافرت دومرتبه با آقای نخست وزیر ملاقات و راجع بحریانات نامطلوب اخیر مذاکره نموده اند آقای نخست وزیر از پیش آمد و سوء تفاهم اظهار تأسف نمود و وعده جبران و ترمیم داده اند

آقای دکتر قربان روز چهارشنبه ۳۱ خرداد ماه ساعت ۱۰ صبح در جلسه امنای دانشگاه پهلوی که با حضور آقای نخست وزیر تحت ریاست آقای علاء وزیر دربار تشکیل شد شرکت نمودند آقای فولادوند استا ندار فارس نیز در این جلسه شرکت داشتند . (روز نامه پارس شیراز ۳ شنبه ششم تیر ماه ۴۰ شماره ۲۵۱۲)

آقای دکتر مجتهدی که بعنوان سر پرست دانشگاه شیراز تعیین شده بود اینک از شیراز بر گشته است و دیگر حاضر نیست

بکاری که از طرف وزیر فرهنگ از وی خواسته شده بود اوامه دهد . با امتناع دکتر مجتهدی از مراجعت بشیراز معلوم میشود در مبارزه ای که میان دکتر قربان و وزارت فرهنگ در گرفته بود

دکتر قربان رئیس سابق دانشگاه فاتح شده و باز سر رشته کار دانشگاه پهلوی در شیراز بدست دکتر قربان افتاده است . و اگر هم باز خود او بسر کار بر تکررد هر که بیاید در دست او خواهد بود و با نظر او کار خواهد کرد .

(روز نامه باامشار چهارشنبه ۱۴ تیرماه ۴۰ شماره ۹۶۴۸)

حساسه آزادی

••••• و هیاهوی گران برخاست - بدانسان که باید .
گوشی خشم است که زخمدیده فریاد میکند
و یا هوجی است که میفرود
توفنده ، بی باک .
رایت ها برافراشته ،
پیکرها چالاکه ، با قباهای چاک چاک

بقیه در صفحه ۶